



قشر مولد را اسیر بخشنامه‌های تعدادی بروکرات حقوق‌بگیر نکنید

غلامحسین شافعی رئیس اتاق ایران در نشست هیئت نمایندگان با حضور محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی توصیه کرد: در یک قانون یک‌ساله تعهدات بلندمدت کشور در مالیات‌ها و قیمت نهاده‌ها و غیره را نقض نکنید؛ تخلفات را طبق قانون رسیدگی کنید؛ قشر مولد کشور را اسیر بخشنامه‌های تعدادی بروکرات حقوق‌بگیر نکنید که اصولاً تجربه‌ای در کسب‌وکار ندارند. به نظر بخش خصوصی واقعی و سالم گوش کنید.

یازدهمین نشست هیات نمایندگان اتاق ایران با حضور محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

غلامحسین شافعی، رئیس اتاق ایران در این نشست خاطرنشان کرد: بخش خصوصی به دلیل رقابت‌های غیرمنصفانه در بسیاری از عرصه‌ها از میدان به در شده است و زمین همواری برای فعالیت ندارد.

او با انتقاد از دوگانه‌سازی مخرب بین امنیت ملی و اقتصاد، راه حل مشکلات اقتصادی کشور را در گروهی اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی طبق فرموده مقام معظم رهبری عنوان کرد.

متن کامل سخنرانی رئیس اتاق ایران به شرح زیر است:

قبل از هر چیز لازم است از زحمات نمایندگان محترم مجلس، کمیسیون‌های تخصصی، مرکز پژوهش‌ها و اعضای کمیسیون محترم تلفیق به خاطر زحمات فرسا برای بررسی لایحه بودجه کل کشور تشکر کنم.

بررسی مصوبات کمیسیون تلفیق مانند کاهش نرخ مالیات بر سود اشخاص حقوقی حاوی پیام‌های مثبت برای توجه به بخش مولد اقتصاد کشور است. اما آثار برخی تصمیمات مانند افزایش قیمت سوخت و برق برای بخش مهمی از صنایع و یا افزایش قیمت ارز لازم است مورد بررسی بیشتر قرار گیرد. بنابراین در همین جا از ریاست محترم مجلس تقاضا می‌کنم دستور دهند تا طی جلسه‌ای، فعالان اقتصادی نکات خود را مطرح کنند.

مجلس یازدهم از آغاز به کار خود در خرداد ماه سال جاری همواره موضوعاتی از قبیل بهبود محیط کسب و کار و ارتقای شاخص‌های اقتصادی را به عنوان برنامه‌های اصلی خود مورد توجه قرار داده است. تحقق برنامه‌های مذکور، نیازمند ابزارها و سازوکارهایی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از تصویب قانون و مهمتر از آن اعمال نظارت.

یکی از آسیب‌هایی که به ویژه در سال‌های اخیر در نظام قانون‌گذاری آشکار شده است، تصویب قوانین متعدد در خصوص موضوعاتی که پیشتر در نظام حقوقی یا محتوای مشابه موجود بوده اند اما به مرحله اجرا نرسیده اند.

رویکرد تقنینی به جای رویکرد نظارتی موجب شده، نظام حقوقی به دلیل عدم انجام فرآیند تدوین و تنقیح نه تنها به حل مشکل جاری کمک نکند بلکه به افزایش بار قوانین، مقررات و تورم قوانین بیانجامد.

این درحالی است که بر اساس سخنان رئیس محترم مجلس در روزهای آغاز به کار مجلس یازدهم (گفت‌وگوی تلویزیونی در 24 تیر 99) تأکید کردید: «بین قانون‌گذاری و نظارت اولویت با نظارت است.» جنابعالی در دیدار با اعضای شورای نگهبان (21 خرداد 99) تأکید کردید: «مصمم هستیم اولویت مجلس را از تقنین به نظارت تغییر دهیم چراکه در بسیاری از موارد نیاز به قانون جدید نداریم و با نظارت دقیق، مشکلات در حوزه اجرا، حل شده و اعتماد مردم هم به نظام بیشتر می‌شود.»

متأسفانه بر خلاف رویکرد ریاست محترم مجلس، شواهد نشانگر آن است که به جای تمرکز بر استفاده از ابزارهای نظارتی، ایده‌ها و اهداف از طریق ارائه طرح‌های متعدد پیگیری می‌شود.

به تازگی در یکی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس در شش ماهه نخست فعالیت مجلس از خرداد تا پایان آبان 99 از مجموع 271 طرح و لایحه اعلام وصول شده 178 مورد طرح (66 درصد) بوده است و در هشت ماهه گذشته تعداد طرح‌ها و لوایح، 379 مورد بود؛ درحالی که در کل دوره نهم 697 و در کل دوره دهم 721 طرح و لایحه اعلام وصول شده است.

قانون‌گذاری فرآیندی است که بر اساس پیش‌نیازها و لوازم متعددی انجام می‌شود و طی تشریفات شامل تهیه پیش‌نویس، تصویب نهایی و ارزیابی اجرا، صورت می‌گیرد. ارائه پیشنهادهای قانونی بدون ارزیابی و انجام کار کارشناسی دقیق تأثیرات احکام پیشنهادی از حیث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی و تعجیل در تبدیل پیشنهادهای قانون‌بدون در نظر گرفتن الزامات اجرایی آنها منجر به تصویب قوانین بی‌کیفیت و حتی گاهی متضاد با قوانین قبلی و درنهایت بدون اثرگذاری خواهد شد.

تصویری از اقتصاد ایران و تکرار اشتباهات سیاست‌گذاری

به رغم سپری شدن 15 سال از ابلاغ سند چشم‌انداز 20 ساله، ارزیابی روند متغیرهای مهم اقتصادی طی سال‌های پایانی دهه 90 نه تنها نسبت به سال‌های میانی دهه 80 که این سند توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد، کاملاً نامطلوب ارزیابی می‌شود، بلکه در مقایسه با کشورهای حوزه سند چشم‌انداز از عملکرد ضعیف کشور خبر می‌دهد.

کسب میانگین رتبه 16 از بین مجموع شاخص‌های اقتصادی، بهداشتی، آموزشی، رفاه اجتماعی میان 24 کشور حوزه سند چشم‌انداز در سال 2019 از ناکامی کشور در دستیابی به هدف رتبه اول در منطقه حکایت دارد.

بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران میانگین رشد اقتصادی نزدیک به صفر طی سال‌های دهه 90 از گرفتار شدن کشور در تله رشد محدود و نامتناسب با اهداف سند چشم‌انداز که رشد سالانه 8 درصد در نظر گرفته شده، خبر می‌دهد. همین امر موجب شد تا اقتصاد کشور در سال 1398 نسبت به سال 96 حدود 11 درصد کوچک‌تر شود و در سال‌های پایانی این دهه شاهد تعمیق شرایط رکود اقتصادی باشیم.

متوسط تورم بالا و دو رقمی به مسئله ساختاری اقتصاد تبدیل شده است، ثبت تورم 34.4 درصد در سال 98 و تورم 30.5 درصدی در 9 ماهه 99 مؤید از بین رفتن کنترل تورم است.

ثبت رشد منفی 12.3 درصدی و منفی 5.9 درصدی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی طی دو سال 97 و 98 به این معناست که در فضای پارتی‌کشی کشور انگیزه‌ای به سرمایه‌گذاری وجود ندارد و متأسفانه برای اولین بار در سال 98 در تاریخ اقتصاد کشور، استهلاک سرمایه از میزان تشکیل سرمایه بیشتر شد.

شوگ‌های پی‌درپی به نرخ‌های کلیدی نظیر نرخ ارز و اعلام مصوبات و بخشنامه‌های عدیده در حوزه‌های ارزی، پولی، مالی و تجاری طی سال‌های اخیر به گونه‌ای عمل کرده که فعالان اقتصادی افق روشنی برای آینده ندارند. نداشتن افق برنامه‌ریزی به خروج سرمایه از کشور خواهد انجامید.

طبق آمارهای بانک مرکزی، خالص حساب سرمایه در 4 سال اخیر همواره منفی بوده است. این در حالی است که کشورهای همسایه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی انواع مشوق‌ها را در نظر گرفتند و سرمایه‌گذار ایرانی به راحتی می‌تواند در سایر کشورها اقدام به سرمایه‌گذاری کند.

جناب آقای دکتر قالیباف!

با توجه به موارد فوق، برنامه هفتم توسعه آخرین فرصت برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز 20 ساله است و فرآیند تدوین این برنامه در دوره زمانی قرار دارد که اقتصاد و جامعه در وضعیتی بسیار

حساس به سر می برد که در تاریخ این سرزمین کم سابقه است.

این وضعیت ایجاب می کند که سیاست گذاری های آینده کشور با هوشمندی و به دور از آزمون و خطای مکرر، برگزیده شوند، بنابراین ضروری است فرایند تهیه و تصویب برنامه هفتم توسعه به دور از شتاب زدگی و بر اساس کارشناسی با تغییر و تحولات اساسی در نحوه فکر، درباره مأموریت های برنامه و انتظارات از آن، انجام شود.

اتاق ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی و مشاور قوای سه گانه بر اساس آسیب شناسی انجام شده و با در نظر گرفتن شرایط کنونی اقتصاد کشور و در راستای دستیابی به الگوی مطلوب و توسعه محور، خواستار اعمال مدیریت تغییر در برنامه هفتم توسعه به در نظر گرفتن مجموعه الزام ها و بایسته ها است تا از این گذر، آینده اقتصاد کشور به تکرار تجربه های ناموفق برنامه های قبلی توسعه گرفتار نشود.

اجرای سیاست های کلی اصل 44، تقویت بخش خصوصی و تولید

در سال های اخیر مقام معظم رهبری بارها تأکید کرده اند که تنها در پیچه انتقال حیات، روشنایی و نیرو به داخل کشور، در پیچه ای است که فعالان بخش تولید به روی کشور می گشایند و تولیدکنندگان خط شکنان و صفوف مقدم عرصه حیاتی تولید داخل و رونق اقتصادی و گسترش رفاه عمومی هستند.

ایشان از این گذر مسیر پیش روی مسئولان کشور و مجلس در سیاست گذاری ها را راهبری کردند. این در حالی است که اهتمام جدی در سیاست گذاری ها به نفع بخش های مولد اقتصاد کشور مشاهده نمی شود و عمده شعارها و تصمیمات مسئولان رنگ و بوی یارانه های مختلف دارد و نه تقویت تولید.

ایشان در دیدار با جمعی از تولیدکنندگان به نهادهای عمومی غیردولتی توصیه مؤکد کردند و فرمودند: در کارهای اقتصادی مطلقاً رقیب بخش خصوصی نشوند؛ در جاهایی که بخش خصوصی توان لازم، امکانات و یا رغبتی ندارد، وارد شوید؛ چنانچه بعد از مدتی بخش خصوصی وارد آنجا شد، نهادهای عمومی غیردولتی از آنجا به یک نقطه دوردست تر و سخت تر مهاجرت کنند و آنجا کار و سرمایه گذاری کنند و از رقابت با بخش خصوصی بپرهیزند. در عمل شاهدیم که بخش خصوصی به دلیل رقابت های غیرمنصفانه در بسیاری از عرصه ها از میدان به در شده است و زمین همواری برای فعالیت ندارد.

مصلحت اندیشی در ارائه تصویر واقعی از مشکلات و اقتصاد را کنار بگذارید

مشکلات اقتصادی جامعه آن چنان عیان شده که هرگونه مصلحت اندیشی نمی تواند آن را کتمان کند. ریشه اساسی مشکلات را باید در اقتصاد دید و ریشه اقتصاد را هم در تولید؛ ریشه موفقیت در تولید را هم باید در بخش خصوصی دید؛ اما این توالی توسعه ساز را در ایران نمی توانیم در بستر زمان به صورت پیوسته و پایدار شاهد باشیم.

شاخص های متعدد منتشرشده از سوی سازمان های رسمی کشور نشان از آن دارد که در اقتصاد حرفی برای گفتن نداشته و نمی توانیم خود را یک کشور بازبزرگ در عرصه اقتصادی بدانیم. این خصیصه اما در جهت عکس توانایی های بالقوه سیاسی و امنیتی کشورمان است. شاخص های رسمی متعددی نشان می دهند که وضعیت تولید نیز در چنان سطحی نیست تا به تاب آوری اقتصادی کمک کند. تجربه تاریخی نیز نشان از آن دارد که نهادها و ساختارهای رسمی کشور به جز در چند دوره، قوام دهنده تولید نبوده اند. تجربه تاریخی ایران نشان از آن دارد که بخش خصوصی تولیدی از اهمیتی در خور شأن آن برخوردار نبوده و بالعکس هرکجا فرصت پیدا شده گردن بخش خصوصی تولیدی و به ویژه نوع واقعی آن زده شده است.

در همه دوره ها بسیاری از فعالان بخش خصوصی صحیح العمل وظیفه خود را در قبال منافع ملی کشور انجام داده اند؛ به ویژه در دوره های سخت همچون جنگ تحمیلی که بارها چه حضرت امام و چه مقام معظم رهبری از فعالان و فداکاری تولیدکنندگان به نیکی یاد فرموده اند. حتی در سال های اخیر هم شاخص های رسمی منتشرشده کشور به نحوی مشخص به خدمت برجسته بخش خصوصی در موضوع مهم اشتغال اعتراف دارد. برای مثال سالنامه آماری سال 97 نشان می دهد که از سال 80 تا سال 97، سهم بخش خصوصی در اشتغال از 77.8 درصد به 84.5 درصد رسیده است. آنهم در شرایط سخت تحریم.

طبق اصل 44 قانون اساسی نظام اقتصادی کشور بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. لیکن علی رغم شاخص های متعدد، هیچ یک از نهادهای قوه مجریه و قوه مقننه ارزش و اعتباری درخور برای بخش خصوصی و تعاونی قائل نیستند. گرچه حرف های بسیار زیبا زده می شود اما در هر اقدامی آنچه را که می خواهند انجام می دهند.

متأسفانه مشاهده می شود که در نظام تصمیم گیری داخلی و نظام حکمرانی این حق را برای حضور بخش خصوصی در اتخاذ تصمیم ها قائل نیستند، بلکه هرروز بیشتر از تنه این بخش به طرق مختلف زده می شود و حتی امتیازات ناچیز گذشته یک به یک حذف می شود. بخش مهمی از ریشه مشکلات کشور را می توان در این حقیقت دید.

شاخص های نامناسب غیرقابل پنهان در حالی است که منابع عظیمی برای کشور فراهم بوده است. به عنوان نمونه حیرت انگیز، از سال 1385 که تحریم شروع شد تاکنون، 1425 میلیارد دلار به عنوان منابع ارزی به صورت مستقیم برای کشور فراهم بوده است. این تأسف آور نیست که اکنون کشور گرفتار چند میلیارد دلار منابع مانده در فلان کشور باشد؟

ازجمله ریشه های مهم چنین وضعی در اقتصاد، عدم توجه به فرموده رهبری در 30 بهمن سال 85 است که پایه اصلی اقتصاد را در افزایش ثروت ملی و سپس توزیع عادلانه آن دانسته اند و اولی را شرط دومی می دانند. لیکن با وضع کردن آن ها بدون حضور بخش خصوصی تحت واژه های «تصمیم حاکمیتی» و امثالهم، بیم آن می رود که با توزیع منابع مختلف به دنبال خریدهای دیگری به جز توسعه کشور بوده اند.

نتیجه چنین رویکردی خود را در قوانین ناقص متضاد نشان داده و با ارجاع به دستورالعمل های قوه مجریه در موارد زیادی با امنیتی شدن قوانین و دستورالعمل ها مواجه می شویم که حتی گاهی قوانین موجود را هم متاثر می کند. از سوی دیگر همان نقش کمرنگ زینت المجالس بخش خصوصی نیز یک به یک در حال محو شدن است. به طور مثال از حدود 12 عضو شورای پول و اعتبار تنها

یک رأی متعلق به بخش خصوصی و یک رأی بخش تعاونی است. در این زمینه به نقش این بخش در اشتغال کشور توجه داشته باشید. همین میزان حضور هم در طرح بانکداری مجلس محترم حذف شده است؛ در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی با بیش از 30 عضو تنها یک کرسی برای بخش خصوصی است؛ در شورای اقتصادی و سایر مجامع و شوراها شرایط به همین صورت است.

راه نجات اقتصاد کشور به تولید بستگی دارد. راه نجات تولید و صادرات تقویت بخش خصوصی واقعی و متعهد است. البته در لباس تولید و بخش خصوصی، فعال اقتصادی فاسد هم ممکن است وجود داشته باشد که ما قویاً معتقد به مجازات شدید این لکه های ننگ هستیم.

نتیجه چنین رویه هایی همین آشفته بازار مشکلات اقتصادی فعلی کشورمان است که بخش اعظم آن ناکارآمدی در تصمیم گیری هاست. لذا مصلحت اندیشی در ارائه واقعی از مشکلات و اقتصادمان را کنار بگذاریم زیرا راه حل شناخت مشکلات و اشتباهات و هم فکری نخبگان دانشگاهی و بخش خصوصی واقعی، نه در حرف که در عمل باید به سرانجام رسد.

صحبت هایم را با بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به پایان می برم که فرموده اند: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی نقطه قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف نقطه ضعف زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است.»

تأکید بر تقویت اقتصادی مستقل کشور مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، توزیع عدالت محور، مصرف به اندازه و بی اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است.

ایشان راه حل را اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی می دانند. درحالی که ایشان چنین جملات روشن و دقیقی دارند، با یک دوگانه سازی مخرب بین امنیت ملی و اقتصاد در کشور مواجه هستیم. همان طور که رهبر معظم فرموده اند، نه تنها امنیت در مقابل اقتصاد کشور نیست، بلکه جنبه ای مهم از قدرت کشور است. محتاج بودن بیش از هفتاد میلیون نفر از مردم به دریافت یارانه، رشد

اقتصادی نزدیک به صفر طی ده سال اخیر و بی ثباتی متغیرهای اقتصادی متأثر از نرخ ارز و نرخ تورم، موجب افزایش امنیت کشور نمی شود، بلکه ایجاد رشد اقتصادی، افزایش سرمایه گذاری و افزایش اشتغال است که موجب ثروت آفرینی می شود؛ این کار به دست کارآفرینان کشور باید انجام شود و این گروه چند توصیه روشن به همه سیاست گذاران دارند.

حاکمیت قانون را در کشور ارتقا دهید؛ خلق الساعه تصمیم نگیرید و قانون را عطف به ماسبق نکنید.

در یک قانون یک ساله تعهدات بلندمدت کشور در مالیات ها و قیمت نهاده ها و غیره را نقض نکنید؛ تخلفات را هم طبق قانون رسیدگی کنید؛ قشر مولد کشور را اسیر بخشنامه های تعدادی بروکرات حقوق بگیر نکنید که اصولاً تجربه ای در کسب و کار ندارند. به نظر بخش خصوصی واقعی و سالم گوش کنید. ما به شما و مجلس شما امید فراوان داریم.